



پیش گفتار

جوانی، بهترین فرصت زندگی برای خودسازی و سازندگی است و جوانان، ارزنده ترین ذخایر و سرمایه های جوامع انسانی هستند. از این رو، رشد و بالندگی هر کشور، در گرو آموزش و پرورش نیروی جوان آن است و موضوع جوانان در تاریخ بشر، همواره مورد توجه رهبران فرهنگی، دینی و سیاسی جهان بوده است. یکی از نویسندگان معاصر می نویسد: گزنفون، حکیم و مورخ یونانی (430 - 355 ق.م)، دو کتاب راجع به ایران نوشته است که یکی از آن دو کورش نامه است. در این اثر، شرحی راجع به تربیت جوانان ایران در دوران هخامنشی آورده و از جمله می نویسد: «تقوا و فضیلت به فرزندان خود می آموزند، همان گونه که دیگران خواندن و نوشتن را ... در قوانین ایران، کوشش می شود که افراد، تربیتی پیدا کنند که آنان را پیشاپیش، از دست یازیدن به کارهای ننگین و شرارت آمیز، باز دارد» ... گزنفون، یکی از علّت های اقتدار هخامنشیان را - که در زمان خود، بزرگ ترین کشور جهان بودند - همین توجه به تربیت جوانان می داند. [1] در جهان امروز، که عصر انفجار اطلاعات است، از يك سو، دسترس جوانان به انواع آگاهی ها، زمینه رشد دانش و پیشرفت فناوری را فراهم کرده است و از سوی دیگر، سوداگران بین المللی و سودجویان سیاسی و اقتصادی، بیش از دوران های

[1] هشدار روزگار: ص 187 - 188.

[2] بر اساس آمار سازمان ملل، در سال 2000 م، تعداد جوانان پانزده تا 24 ساله در جهان، بیش از يك میلیارد و 59 میلیون و 897 هزار نفر و جمعیت جهان، حدود شش میلیارد و 61 میلیون و 502 هزار نفر بوده است (گزارش وضعیت جهانی جوانان 2003: ص 84).

[3] بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در تاریخ 27 بهمن ماه 1382، برآورد جمعیت کلّ کشور 66 میلیون و 480 هزار نفر بوده که از این رقم، تعداد افراد پانزده تا 24 ساله، شانزده میلیون و 672 هزار و 320 نفر (1/25 درصد کلّ جمعیت)، 25 تا 29 ساله، پنج میلیون و 632 هزار و 920 نفر (5/8 درصد کلّ جمعیت)، و سی تا 39 ساله، هشت میلیون و 796 هزار و 150 نفر (2/13 درصد کلّ جمعیت) بوده است. در برآورد دیگری تا پایان سال 1382، تعداد پسران پانزده تا 29 ساله، یازده میلیون و 695 هزار و 837 نفر و تعداد دختران در این سنین، شانزده میلیون و هجده هزار و 730 نفر بوده است.

گذشته از سرمایه جوانان، سوء استفاده می کنند و بدین لحاظ، پرداختن به مسائل جوانان در جهان امروز، بیش از گذشته حائز اهمیت است [1] و در ایران، به دلیل این که نزدیک نیمی از جمعیت آن جوان اند، [2] مسئله جوانان، اهمیت فوق العاده ای دارد. علاوه بر این، آنچه بر اهمیت پرداختن به مسائل جوانان ایرانی می افزاید، نقش آنان در پیروزی انقلاب اسلامی است که موجب شده تا جریان های سیاسی و فرهنگی مخالف، به منظور پیشگیری از انتقال فرهنگ انقلاب اسلامی به نقاط دیگر جهان، برای ایجاد انحراف اخلاقی و سیاسی در جوانان ایرانی برنامه ریزی کنند.

پژوهش های اسلامی درباره جوانان

پژوهشگران اسلامی، از دیرباز به مسائل جوانان پرداخته اند. برای نمونه می توان به کتابی به نام فضل الشُّبَّان و تقدّمهم علی کثیر من ذوی الأسنان (برتری جوانان و تقدّم آنان بر بسیاری از سالخوردگان) [3] اشاره کرد که در سده های سوم و چهارم هجری تألیف شده است. مانند این نوشتار، در میان آثار اسلامی، کم نیست و بخصوص در نیم قرن اخیر، دانشمندان مسلمان به موازات دیگر پژوهشگران، نوشته های مفید و

[1] بر اساس آمار سازمان ملل، در سال 2000 م، تعداد جوانان پانزده تا 24 ساله در جهان، بیش از يك میلیارد و 59 میلیون و 897 هزار نفر و جمعیت جهان، حدود شش میلیارد و 61 میلیون و 502 هزار نفر بوده است (گزارش وضعیت جهانی جوانان 2003: ص 84).

[2] بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در تاریخ 27 بهمن ماه 1382، برآورد جمعیت کلّ کشور 66 میلیون و 480 هزار نفر بوده که از این رقم، تعداد افراد پانزده تا 24 ساله، شانزده میلیون و 672 هزار و 320 نفر (1/25 درصد کلّ جمعیت)، 25 تا 29 ساله، پنج میلیون و 632 هزار و 920 نفر (5/8 درصد کلّ جمعیت)، و سی تا 39 ساله، هشت میلیون و 796 هزار و 150 نفر (2/13 درصد کلّ جمعیت) بوده است. در برآورد دیگری تا پایان سال 1382، تعداد پسران پانزده تا 29 ساله، یازده میلیون و 695 هزار و 837 نفر و تعداد دختران در این سنین، شانزده میلیون و هجده هزار و 730 نفر بوده است.

[3] نویسنده این کتاب، گم نام است و گویا آن را به مقتدر، خلیفه جوان عباسی (حك 295 - 320 ق)، تقدیم کرده است. اهدای چنین رساله ای به خلیفه، می تواند نشانگر اهمیت جوانان در آن روزگار باشد.

سازنده ای را درباره نسل جوان ارائه نموده اند، هرچند با عنایت به نیازهای این نسل در عصر حاضر، آنچه ارائه شده است، تا نقطه مطلوب، فاصله دارد.

کتاب شناسی جوانان

اهمیت پژوهش درباره جوانان، سبب شده است که پژوهشگران در زمینه های تعلیم و تربیت، روان شناسی و جامعه شناسی، صدها مقاله و کتاب درباره ابعاد مختلف مسائل و مشکلات جوانان تهیه کنند و کثرت منابع در این زمینه، موجب گردیده است که جمعی به کتاب شناسی این گونه آثار، همّت گمارند. [1]

بهترین کتاب ها برای نسل جوان

نسل جوان در عصر حاضر، احساسات، خواسته ها، نیازها و مشکلات ویژه ای دارد که نسل های گذشته نداشتند. همچنین، آسیب ها و انحرافات خاصی جوانان امروزی را تهدید می کند که در گذشته، تهدید نمی کرد. از این رو، به گمان ما، بهترین کتاب ها برای نسل جوان در عصر کنونی، کتاب هایی هستند که دارای سه ویژگی باشند: 1. بر اساس شناخت دقیق استعدادهای جوانان، تهیه و تنظیم گردند و پاسخگوی احساسات، نیازها، خواست ها و دغدغه های آنان در زندگی باشند و از آسیب ها و انحرافات که نسل جوان را در عصر حاضر تهدید می کند، پیشگیری نمایند؛ 2. الگوی عینی برای ارزش های اخلاقی ارائه نمایند؛ 3. برای جوانان از جذابیت لازم برای مطالعه، برخوردار باشند. بهترین جوان شناس، آفریدگار انسان است. هم اوست که بهتر از هر کس دیگر، استعدادهایی را که به جوانان عنایت کرده، می شناسد و نیازهای آنان را می داند و از

[1] حذّاف دو کتاب شناسی مهم ویژه جوانان در ایران سراغ داریم: یکی کتاب شناسی جوانان، نوشته مریم رعیت علی آبادی، شهرزاد طاهری لطفی و نوشین عمرانی، و دیگری کتاب شناسی جوانان، نوشته انسیه راعی.

آسیب هایی که سرمایه جوانی را تهدید می کند، آگاه است. بنا بر این، بهره گیری از رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی - که ریشه در وحی الهی دارند - برای تهیه بهترین کتاب های مورد نیاز جوانان، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است؛ اما مسئله اساسی در ارائه رهنمودهای الهی به نسل جوان، این است چگونه این رهنمودها، هماهنگ با زمان و مکان، در هر دوره ای، از قرآن و سنت، استخراج گردد و افزون بر این، همراه با ارائه الگوی عینی، جاذبه کافی برای مطالعه نسل جوان داشته باشد. نگارنده، در نگارش کتاب کیمیای محبت - که بخشی از رهنمودهای اسلامی را ارائه کرد -، [1] تلاش نمود کتابی با همه این ویژگی ها عرضه کند و خوش بختانه آن کتاب، سخت مورد استقبال جوانان قرار گرفت.

حکمت نامه جوان

کتاب حکمت نامه جوان، تا آن جا که توانسته، رهنمودهای قرآن و اهل بیت علیهم السلام را همراه با ارائه الگوهای عینی ارزش های دینی و اخلاقی به جوانان ارائه می نماید. امیدوارم که خداوند متّان، این مجموعه را از جذابیت لازم برای مطالعه جوانان عزیز، برخوردار نماید. گفتنی است آنچه در این حکمت نامه آمده، متن مهم ترین رهنمودهای قرآن و احادیث اسلامی برای جوانان است که شرح آنها، نیاز به کتاب های مستقل در زمینه های مختلف مسائل جوانان دارد و از این رو، امید است که این مجموعه، نه تنها برای جوانان، بلکه برای پژوهشگران و مسئولان امور تربیتی، مفید و کارساز باشد. در این جا بر خود لازم می دانم از همه کسانی که در آماده سازی این حکمت نامه با

[1] این کتاب در سال 1379 توسط انتشارات دارالحدیث به طبع رسید و به زبان های عربی، انگلیسی، اسپانیولی، ترکی استانبولی و اردو، ترجمه شده و به دلیل استقبال علاقه مندان، بویژه نسل جوان، تا کنون بارها تجدید چاپ شده و تا کنون، حدود 260 هزار نسخه از آن، منتشر گردیده است.

نگارنده همکاری داشته اند، بویژه فاضل ارجمند آقای احمد غلامعلی و همچنین آقای محمّد نوری - که در تهیه پرونده پژوهشی جهت تحلیل ها مرا یاری داد -، صمیمانه سپاس گزاری نمایم. افزون بر این، زحمات استاد گران قدر حجة الإسلام والمسلمین جناب آقای مهدی مهریزی را که با ترجمه زیبای خود، فهم آیات و روایات این مجموعه را برای پارسی زبانان میسر ساخت، ارجّ نهم و از خداوند متعال، مسئلت دارم که پاداشی درخور فضل خود به همه آنان، عنایت فرماید. محمّد محمدی ری شهری 29 بهمن 1382 27 محرم 1425

درآمد

حکمت نامه جوان ، ویژه رهنمودهای حکیمانه اسلام برای بهره برداری هرچه بیشتر جوانان عزیز از فرصت گران بهای جوانی است. پیش از هر سخن ، در این باره ، باید به این پرسش پاسخ داد که : به چه کسی جوان گفته می شود؟ و جوانی در چند سالگی آغاز می گردد و کی پایان می پذیرد؟

تعریف «جوانی»

واژه «جوان» یا «بُرنا» ، در زبان فارسی به معنای هر چیزی است که از عمر آن ، چندان نگذشته باشد ؛ [1] اما در فرهنگ عربی ، دو تعبیر رایج در مورد جوان وجود دارد ؛ یکی: «فتی» [2] و دیگری «شاب» . اولی، از ریشه «فَتَى/ فتو (طراوت و

[1] در لغت نامه دهخدا و فرهنگ عمید ، جوان چنین معنا شده است: انسان یا حیوان یا درخت که به حدّ میانه عمر طبیعی خود ، رسیده باشد.

[2] در زبان عرب، انسان از هنگامی که در رَجَم مادر است تا هنگام پیری ، نام هایی به ترتیب به این شرح دارد: 1. پیش از تولّد : جنین، 2. پس از تولّد : ولید، 3. شیرخوارگی : رضیع، 4. از شیر گرفته شده : فطیم، 5. با دست و پا راه می رود : دارج، 6. به پنج وجب رسیده : خماسی، 7. دندان هایش افتاده : متغور ، 8. دندان هایش روپیده : متغّر، 9. بالاتر از ده سالگی : مترعرع و ناشئ، 10. نزدیک احتلام یا رسیدن به این سن : یافع و مراهق، 11. پس از احتلام و برومندی : خَرور (و در همه این حالات به وی «غلام» گفته می شود) ، 12. سبزه های سیبلیش روپیده : قد بقل وجهه، 13. هنگامی که چهره اش طراوت یافته : فتی و شارخ، 14. به نهایت جوانی رسیده : مجتمع، 15. مابین سی سالگی و چهل سالگی : شاب ، 16. از چهل ساله تا شصت ساله : کهل (و گفته شده از 34 ساله تا 51 ساله ، کهل است) ، 17. از این به بعد ، شیخ (بحار الأنوار : ج 60 ص 351 ، به نقل از : سرّ الأدب) .

شادابی)» ، [1] و دومی از ریشه «شَبَبَ (شکوفایی و برخورداری از حرارت)» است. [2] نکته قابل توجّه این که نمی توان تعیین کرد که دوران جوانی از کی آغاز می شود و کی پایان می یابد . در این باره آمده است : از نظر حقوقی ، دو دوره سَنّی به رسمیت شناخته شده است : طفولیت و بزرگ سالی . در این میان ، دوره نوجوانی و جوانی ، ناشناخته است و به همین دلیل ، نمی توان تعریف دقیقی از نوجوان و جوان ، ارائه نمود . [3] همچنین در کتابی که اخیراً توسط جمعی از برجسته ترین پژوهشگران حوزه جوانان تهیه شده ، در تعریف «جوانی» آمده : اصطلاح «جوانی» با توجّه به زمینه آن ، معانی مختلفی دارد . این نکته ، بویژه در مورد این گزارش ، مصداق دارد . در بخش نخست ، «جوانان» به عنوان يك رقم آماری تلقّی می شوند و افرادی را که سن آنها بین پانزده تا 24 سال است ، در بر می گیرند . این تقسیم بندی ، برای سهولت مقایسه انجام شده است ؛ زیرا این گروه سَنّی ، گروهی است که در مورد آن ، اطلاعات قابل دسترس ، تدارك دیده شده اند. در هر حال ، هنگامی که استفاده از اصطلاح «جوان» بر مبنای کشور خاصی مدّ نظر قرار می گیرد ، محدوده سَنّی فوق ، اغلب خیلی کوچک است . برای مثال ، گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد در سال 2000م ، برای اردن ، بر این نکته تأکید دارد که: «جوان، کسی است که سن او بین پانزده تا 29 سال باشد». [4]

[1] الفاء والتاء والحاء والمغسل أصلان : أحدهما يدلّ علی طراوة وجِدّة ، والآخر علی تبیین حکم (معجم مقاییس اللغة : ج 4 ص 473) ، وفي المفردات : الطری من الشباب (مفردات الفاظ القرآن : ص 625) .

[2] شَبّ : الشین والباء ، أصل واحد يدلّ علی نماء الشیء و قوّته فی حرارة تعثریه (معجم مقاییس اللغة : ج 3 ص 177) .

[3] گزارش ملّی جوانان سال 1381 : ص 490 .

[4] گزارش وضعیت جهانی جوانان 2003 : ص 81 . این گزارش ، توسط برجسته ترین پژوهشگران حوزه جوانان جهان ، بر اساس درخواست سازمان ملل متحد تهیه شده و توسط دفتر بین الملل سازمان ملّی جوانان ، به فارسی ترجمه شده است . در دومین بخش از گزارش یاد شده ، معانی دیگری از جوانی آمده است ؛ مانند : «فاصله بین نوجوانی و بلوغ جسمی» در زبان انگلیسی یا «دوره گذار از کودکی به بزرگ سالی» و در جمع بندی نهایی آمده : «جوانی ، دوره گذار از نوجوانی به بزرگ سالی ، از وابستگی به استقلال ، و از وضعیت فرد دریافت کننده خدمات جامعه به کسی است که در حیات فرهنگی ، سیاسی و اقتصاد ملّی مشارکت می کند» ؛ لیکن هیچ يك از این تعاریف ، دوران جوانی را به طور دقیق ، مشخص نمی کند .

آنچه در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد در تعیین سن جوان آمده ، هماهنگ با روایتی از امام صادق علیه السلام در این باره است که می فرماید:

إِذَا زَادَ الرَّجُلُ عَلَى الثَّلَاثِينَ قَهْوٌ كَهْلٌ وَإِذَا زَادَ عَلَى الْأَرْبَعِينَ قَهْوٌ شَيْخٌ . [1]

هنگامی که سنّ مرد از سی سال گذشت ، «کهل (میان سال)» است و وقتی که از چهل سال گذشت ، «شیخ (پیر)» نامیده می شود.

مفهوم این سخن ، آن است که دوران جوانی با بلوغ ، یعنی پانزده سالگی آغاز می شود و تا سی سالگی ادامه دارد. بر پایه آنچه گذشت ، دوران جوانی را به دوران رشد ، شکوفایی ، شادابی و گرمی زندگی می توان تعریف کرد . بنا بر این ، تعریف دوران جوانی ممکن است در اعصار مختلف تاریخ ، متفاوت باشد ، چنان که شاعر عرب ، در عصری که نیرو و شادابی جوانان طولانی بوده ، سروده است : إِذَا عَاشَ الْقَتَى مَتَّيْنِ عَامًا فَقَدْ ذَهَبَ التَّشَاشَةُ وَالْقَتَاءُ . [2] . وقتی جوان ، دویست سال عمر کند / خوش رویی و شادابی از بین می رود . بنا بر تعریف یاد شده، می توان گفت جوانی در افراد مختلف نیز متفاوت است و بدین سان ، اختلاف واژه شناسان در تعیین محدوده دوران جوانی نیز قابل

[1] بحار الأنوار : ج 75 ص 253 .

[2] معجم مقاییس اللغة : ج 4 ص 474 ، ذیل مادّه «قَتَى» .

توجیه است . {-2-}

مراحل زندگی از نگاه قرآن

قرآن کریم ، مراحل زندگی انسان را از نظر توانمندی به سه دوره ، تقسیم کرده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» . [2] خدا ، همان کسی است که شما را آفرید ، در حالی که ناتوان بودید . آن گاه ، پس از ناتوانی قوت بخشید و سپس ، بعد از توانمندی، ناتوانی [و پیری] قرار داد . او هر چه بخواهد ، می آفریند ، و هم اوست دانای توانا» . دوران های سه گانه زندگی ، در آیه ای دیگر ، چنین آمده است: «ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِيَکُونُوا شُيُوخًا» . [3] سپس شما را به صورت نوزادی [از شکم مادر] بیرون می فرستد، تا به کمال نیرومندی خود برسید، سپس تا پیر شوید» . دوران جوانی ، همان دوران قوت و کمال نیرومندی است و تا هر زمان که توانمندی انسان تداوم داشته باشد، جوان خواهد بود. نکته ظریفی که در این جا قابل تأمل است ، این که اسلام ، در رهنمودهای حکیمانه خود ، رمز تداوم جوانی جان و اندیشه را در چهارده قرن پیش به جامعه بشر ، عرضه کرده است.

رمز تداوم جوانی جان

یکی از برجسته ترین آثار جوانی، شادابی و نشاط است . از نظر اسلام، باورهای صحیح و کردارهای نیک ، رمز تداوم نشاط و شادابی جوانی است . از این رو ، امام

[1] ر . ک : لغت نامه دهخدا ، واژه های «شباب» و «کهل» .

[2] روم، آیه 54 .

[3] عافر، آیه 67.

علی علیه السلام در تبیین اوصاف شخص باایمان می فرماید:

تَرَاهُ بَعِيدًا كَسَلَةً دَائِمًا تَشَاطُطُ . [1]

.او (مؤمن) را چنان می بینی که کسالت از وی دور ، و نشاط او همیشگی است.

روزی امام صادق علیه السلام از شخصی به نام سلیمان بن جعفر پرسید که «قَتَى» نزد شما کیست؟ . گفت : ما به جوان ، «قَتَى» می گوئیم.

امام علیه السلام فرمود: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ كَانُوا كُلُّهُمْ كَهُولًا فَسَمَاهُمُ اللَّهُ قَتِيَّةً بِإِيمَانِهِمْ؟! يَا سَلِيمَانُ! مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَاتَّقَى فَهُوَ الْقَتَى . [2]

.مگر نمی دانی که اصحاب کهف ، همگی میان سال بودند، اما خداوند به سبب ایمانشان ، آنان را «قتیه (جوانان)» نامید؟ ای سلیمان! هر که به خدا ایمان آورد و تقوا پیشه کند ، جوان [واقعی] است».

انسان های شایسته ، در دوران پیری ، به رغم ناتوانی قوای جسمانی ، به قوت اندیشه و شادابی جان آنها افزوده می شود و همان گونه که در کلام علی علیه السلام آمده است:

إِذَا شَابَ الْعَاقِلُ شَبَّ عَقْلُهُ . [3]

.خردمند ، چون پیر شود، عقلش جوان می گردد.

نمونه روشن این گونه سالخوردگان در عصر حاضر، امام خمینی قدس سره است که با اندیشه جوان و جان نیرومند و شاداب خود، نه تنها جوانان ایران ، بلکه جوانان مسلمان را در سطح جهان به خود جذب کرد.

رهنمودهای اسلام درباره جوانان

حکمت نامه جوان ، رهنمودهای حکیمانه قرآن و احادیث اسلامی درباره جوانان را در

[1] ر . ك : ص 267 ح 462 .

[2] ر . ك : ص 347 ح 538 .

[3] غرر الحكم : ح 4169 .

پنج بخش ، تقدیم می کند:

يك. نقش جوانی در خودسازی و سازندگی

تأمل در بخش نخست این حکمت نامه ، نشان می دهد که از نگاه قرآن و احادیث اسلامی، جوانی ، بهار زندگی و بهترین فرصت برای خودسازی و سازندگی است . این فرصت ، به قدری ارزشمند است که در قیامت ، حسابرسی جداگانه از اّام عمر دارد : [1] اما کمتر جوانی است که تا خزان پیری اش فرا نرسد ، ارزش بهار جوانی را آن گونه که شایسته است ، بشناسد. فصل اوّل این بخش ، سه پیام مهم اخلاقی، فرهنگی و سیاسی برای جوانان و مسئولان فرهنگی و سیاسی جوامع اسلامی دارد:

الف - پیام اخلاقی

پیام اخلاقی اولین فصل کتاب برای جوانان این است که : بشتابید! بشتابید که بهار جوانی ، بسی تند و زودگذر است . تا دیر نشده ، برنامه زندگی هدفمند خود را تنظیم نموده ، آن را با انضباط کامل اجرا کنید . تأخیر و امروز و فردا کردن را از خود دور کنید و انضباط کاری را سرلوحه زندگی خود قرار دهید . [2] فردا را جزء عمر خود محسوب نکنید ، [3] هر کاری را در وقت خود انجام دهید [4] و به گونه ای برای زندگی خود برنامه ریزی نمایید که هر روز ، يك گام جلوتر باشید. [5]

ب - پیام فرهنگی

فصل دوم از بخش اوّل حکمت نامه، پیام به مسئولان فرهنگی جوامع اسلامی

[1] ر . ك : ص 49 ح 21 .

[2] ر . ك : ص 45 ح 13 .

[3] ر . ك : ص 45 ح 12 .

[4] ر . ك : ص 45 ح 8 .

[5] ر . ك : ص 49 ح 19 .

است که تعلیم و تربیت جوانان را جدّی بگیرند ؛ چرا که ذهن جوان ، آمادگی بیشتری برای آموختن دارد، [1] و فطرت پاك و روح لطیف او ، بهتر سخن حق را می پذیرد، چنان که امام علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ وَ قِيلَتْهُ . [2]

همانا ، دل جوان ، مانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود ، آن را می پذیرد .

پیامبر خدا ، با عنایت به این اصل مهم تربیتی، در آغاز بعثت ، تلاش خود را برای دعوت جوانان به اسلام ، متمرکز کرد و نتیجه گرفت . از این رو ، به اصحاب خود نیز توصیه می کرد که مواظب جوان ها باشند :

أَوْصِيَكُمْ بِالشَّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْيِدَةٌ إِنَّ اللَّهَ - بَعَثَنِي بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَحَالَ قَتْنِي الشَّبَّانُ وَخَالَ قَتْنِي الشَّبِيحُ . [3]

شما را نسبت به جوانان به نیکی سفارش می کنم ؛ چرا که آنان ، دل های رقیق تری دارند . به راستی که خداوند ، مرا نویدبخش و بیم دهنده برانگیخت . آن هنگام ، جوانان با من هم پیمان شدند ، در حالی که پیران به مخالفت با من برخاستند .

همچنین ، امام صادق علیه السلام ، برای تبلیغ مکتب عَلَیْكَ بِالْأَحْدَاثِ ؛ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ . [4]

جوانان را دریاب ، که آنان به سوی هر نیکی ای پُر شتاب ترند .

این پیام، وظیفه همه مسئولان فرهنگی جوامع اسلامی و بخصوص رسانه های گروهی و مبلّغان را بسیار سنگین می نماید.

[1] ر . ك : ص 57 ح 29 .

[2] ر. ک : ص 59 ح 35 .

[3] ر. ک : ص 53 ح 23 .

[4] ر. ک : ص 55 ح 27 .

ج - پیام سیاسی

فصل سوم از بخش یکم ، حامل پیام سیاسی فوق العاده مهم جوان گرایی برای رهبران امت اسلامی است. خداوند متعال ، پیامبران خود را از میان جوانان ، انتخاب کرده است . [1] خاتم انبیا محمد صلی الله علیه و آله نیز برای جذب قشر جوان به آیین اسلام ، اهمیت ویژه ای قائل بود . از این رو ، غالب هواداران او در آغاز بعثت ، جوانان بودند . نخستین نماینده فرهنگی - سیاسی او ، یعنی مُصْعَب بن عَمْرٍ ، جوانی نورس بود . نخستین فرماندار او پس از فتح شهر مهم مکه ، جوانی 21 ساله به نام عَتَّاب بن اُسَید بود و نیز آخرین کسی که به فرماندهی سپاه اسلام برای جنگ با روم منصوب کرد ، جوانی هجده ساله بود که اُسامه نام داشت و مهم تر آن که ایشان ، در سال پایانی عمر شریف خود ، از طرف خداوند متعال ، مأموریت یافت تا امام علی علیه السلام را که در آن وقت ، جوانی تقریباً 32 ساله بود ، به عنوان رهبر آینده جهان اسلام ، به امت معرفی کند. [2] جالب این که پیامبر خدا ، در پاسخ به اعتراض کسانی که از انتصاب جوانی 21 ساله به فرمانداری مکه آزرده خاطر شده بودند ، ضمن نامه مفصلی نوشت:

و لَا تَحْتَاجُ مُحْتَاجٌ مِنْكُمْ فِي مُخَالَفَتِهِ يَصْغُرُ سِنِّيهِ فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ بَلِ الْأَفْضَلُ هُوَ الْأَكْبَرُ . [3]

.... و کسی به خاطر کمی سنّ او ، به مخالفت برنخیزد ؛ چرا که هر بزرگ تری از نظر سنّی ، شایسته تر نیست ؛ بلکه هر شایسته تری ، بزرگ تر است .

نکته دیگر این که امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه - نیز در هنگام ظهور ، شکل و شمایل جوان دارد و در حکومت او جوانان ، نقش اصلی را ایفا می نمایند. تأمل در آیات و روایات این فصل ، به روشنی نشان می دهد که جوان گرایی در

[1] ر. ک : ص 61 ح 39 و 40 .

[2] ر. ک : دانش نامه امیرالمؤمنین علیه السلام : ج 2 ص 237 - 354 .

[3] ر. ک : ص 67 (جوانی بیست و یک ساله ، نخستین فرماندار مکه) .

ادیان الهی برپایه حکمت ، استوار است و منافع و مصالح جامعه در همه ابعاد مدیریتی اقتضا می کند که در نظام دینی ، جوانان شایسته ، بیشترین نقش را ایفا کنند.

دو . مقدمات شکوفایی جوان

بخش دوم حکمت نامه ، با استناد به قرآن و سخنان نورانی اهل بیت علیهم السلام توضیح می دهد که فرصت جوانی برای هر جوانی ، بهار شکوفایی استعدادها و انسانی نیست ؛ بلکه بهره گیری از این فرصت ، نیاز به مقدماتی دارد که باید توسط جوانان ، فراهم گردد . کوتاهی در به دست آوردن این مقدمات ، در واقع ، به معنای هدر دادن فرصت گران بهای جوانی است. این مقدمات ، عبارت اند از :

الف - معرفت

نخستین مقدمه حرکت در مسیر شکوفایی و تکامل ، معرف ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِقَةٍ . [1]

هیچ حرکتی نیست ، مگر این که در آن به آگاهی نیازمندی .

در فصل اول از بخش دوم حکمت نامه ، با الهام از قرآن و احادیث اسلامی ، به انواع معارفی که جوانان برای بهره گیری از استعدادهای خود به آنها نیاز دارند ، اشاره شده است ؛ اما جوانان عزیز باید توجه داشته باشند که مهم ترین معرفتی که آنان را در مسیر کمال انسانی و بهره گیری از بهار جوانی یاری می دهد، خودشناسی است. این معرفت، جوانان را از خطر بیماری احساس بی هویتی - که در عصر حاضر ، نسل جوان را در سطح جهان جدّاً تهدید می کند - ، رهایی می بخشد.

[1] ر. ک : ص 75 ح 49 .

زیانبارترین چهل ، آن است که جوان ، خود را نشناسد و احساس بی هویتی کند.[1] این نادانی ، زمینه را برای انواع انحرافات و فسادها فراهم می سازد . در مقابل ، خودشناسی ، سودمندترین و سازنده ترین معرفتی است که انسان را به قلّه تکامل می رساند . بنا بر این ، نخستین گام در جهت شکوفایی جوان ، این است که بر اساس آموزه های دینی باور کند که بی نهایت استعداد در وجود او نهفته است و می تواند تا بی نهایت ، رشد کند تا آن جا که نماینده آفریدگار هستی گردد، چنان که در حدیث قدسی آمده است:

عَبْدِي! أَطِيعْنِي أَجْعَلَكَ مَثَلِي . [2]

بنده ام ! مرا اطاعت کن تا تو را مَثَل (نماینده) خود گردانم .

{ رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیندینگر که تا چه حد است مکان آدمیت } { طَیْران مرغ دیدی تو ز پایند شهوتبه در آی تا ببینی طَیْران آدمیت . }

پیوند علم و دین

در کنار خودشناسی، آشنایی با قرآن و دین شناسی برای جوانان از اهمّیت ویژه ای برخوردار است . جوانان باید بدانند که بر اساس آموزه های قرآنی ، [3] ایمان و باورهای دینی ، نه تنها با علم در تضاد نیست ، بلکه همراه علم است و بی ایمانی ، نشانه چهل ؛ اَمّا دنیای متجَدّد ، به تدریج ، تباه شده است و منافع سیاسی و اقتصادی سوداگران بین المللی ایجاب می کند که همه آنچه مقدّس و طبعاً دینی است و

[1] ر . ک : ص 77 ح 55 .

[2] الجواهر السنّیّة : ص 361 .

[3] ر . ک : آل عمران : آیه 18 ، سبأ : آیه 6 ، حج : آیه 54 .

بخصوص اسلام - که از قدرت فرهنگی و سیاسی بالایی برخوردار است - ، از بین برود .

میدان پرسش دادن به جوانان

برای این که جوانان با مسائل مختلف دینی در زمینه های اعتقادی، اخلاقی و عملی، هر چه بیشتر آشنا شوند ، علاوه بر ترغیب جوانان به پرسش، باید به آنان آزادی بحث داد و بدین ترتیب ، اعتماد آنان را جلب کرد تا از گفتن آنچه در دل دارند ، بیم نداشته باشند . سیره پیشوایان اسلام در این باره ، بسیار آموزنده است . آنان ، ضمن تشویق کردن مردم به سؤال، [1] در پاسخ به پرسش های آنان به گونه ای برخورد می کردند که مردم ، انواع پرسش های اعتقادی، سیاسی و اخلاقی خود را به آسانی مطرح می کردند و پاسخ می شنیدند. راستی در عصر ما کدام جوان جرئت می کند که مشکلات جنسی خود را با يك رهبر مذهبی مطرح کند و از او رهنمود بگیرد؟! اَمّا در سیره پیامبر خدا ، با شگفتی می خوانیم که جوانی خدمت ایشان می رسد و در حضور دیگران از او اجازه می خواهد تا زنا کند! نکته جالب توجه ، این که وقتی مردم ، او را به خاطر این پرسش جاهلانه نكوهش می کنند، پیامبر خدا ، مانع می شود و شخصاً با مهربانی از جوان می خواهد که نزدیک او بیاید . وقتی جوان کنار پیامبر صلی الله علیه و آله می آید، ایشان با چهره ای بشتّاش به او می گوید: «آیا دوست داری کسی چنین کاری را با مادرت انجام دهد؟!». آن جوان می گوید : نه والله - خدا مرا فدای تو کند ! پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید : «آیا دوست داری کسی با دختر خودت ، چنین کند؟!». جوان می گوید : نه والله ، هیچ کس چنین عملی را برای دخترش نمی پسندد - فدایت شوم !

[1] ر . ک : ص 85 ح 78 .

پیامبر صلی الله علیه و آله می پرسد : «دوست داری کسی با خواهر تو زنا کند؟!». جوان می گوید : نه والله ، هیچ کس مایل نیست - فدایت شوم - ! پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید : «دوست داری کسی با عمّه ات زنا کند؟!». جوان می گوید : نه والله ، هیچ کس دوست ندارد - فدایت شوم - ! پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید : «دوست داری کسی با خاله ات زنا کند؟!». جوان می گوید : نه والله ، هیچ کس مایل نیست - فدایت شوم - ! در این جا بود که پیامبر خدا ، دست مبارك خود را بر آن جوان نهاد و از خداوند متعال برای او آمرزش خواست و پاك دامنی او را از خدا مسئلت نمود . با این برخورد عاطفی و آموزنده پیامبر خدا ، جوان ، اصلاح شد و آن وسوسه از دل و ذهن او پاك شد . {-2-}

ب - خودباوری

دومین مقدّمه شکوفایی جوانی ، خودباوری به معنای اعتماد به نفس و تکیه بر استعدادهایی است که خداوند متعال در وجود انسان برای حرکت به سوی قلّه تکامل ، قرار داده است. تصمیم و تلاش برای خودسازی و سازندگی، بلندهمتّی، عزّت و استغناى نفس، استقامت در راه هدف و توکل بر خداوند متعال در زندگی، همگی از آثار و لوازم خودباوری و اعتماد به نفس است. جوانی که به نیروهای خدادادی خود اعتماد ندارد، در کارها احساس ناتوانی می کند، همّتش کوتاه است، نمی تواند تصمیم بگیرد، صبر و استقامت ندارد، و هیچ هدف مهمّی را در زندگی نمی تواند تعقیب کند. فصل دوم از بخش دوم حکمت نامه ، جوانان مسلمان را به خودباوری و اعتماد به استعدادهای درونی خود و تلاش برای شکوفا ساختن آنها ، دعوت می نماید.

[1] ر . ک : ص 85 ح 78 .

ج - پیوند با خدا

معرفت و خودباوری ، در واقع ، مقدّمه پیوند جوان با مبدأ همه زیبایی ها و کمالات ، یعنی آفریدگار جهان است و این پیوند است که سعادت همیشگی او را تأمین می نماید، چنان که خداوند متعال ، خود می فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» [1] هر کس پاداش دنیا می خواهد ، پاداش دنیا و آخرت ، نزد خداست . نکته مهم این است که همه می توانند این پیوند را با خداوند متعال برقرار کنند ؛ امّا جوانان بهتر از دیگران می توانند به او نزدیک شوند. امام خمینی قدس سره ، در وصیت نامه اخلاقی خود ، خطاب به فرزند عزیز و بزرگوارش ، در این باره می فرماید: عزیزم! از جوانی به اندازه ای که باقی است ، استفاده کن که در پیری همه چیز از دست می رود ، حتی توجه به آخرت و خدای تعالی . از مکاید بزرگ شیطان و نفس اماره آن است که جوانان را وعده صلاح و اصلاح در زمان پیری می دهد تا جوانی با غفلت از دست برود ، و به پیران ، وعده طول عمر می دهد و تا لحظه آخر با وعده های پوچ ، انسان را از ذکر خدا و اخلاص برای او باز می دارد تا مرگ برسد ، و در آن حال ، ایمان را اگر تا آن وقت نگرفته باشد ، می گیرد . پس در جوانی که قدرت بیشتری داری به مجاهدت برخیز و از غیر دوست - جلّ و علا - بگریز ، و پیوند خود را هر چه بیشتر - اگر پیوندی داری - محکم تر کن ؛ و اگر خدای نخواستہ نداری ، تحصیل کن و در تقویتش همت گمار ، که هیچ موجودی جز او - جلّ و علا - سزاوار پیوند نیست . و پیوند با اولیای او ، اگر برای پیوند به او نباشد ، حيله شیطانی است که از هر طریق ، سدّ راه حق کند. [2] گفتنی است که آنچه درباره ارزش عبادات در دوران جوانی، و مباحثات خداوند

[1] نساء : آیه 134 .

[2] صحیفه امام : ج 20 ص 156 .

متعال به عبادات جوان و آثار و برکات عبادات جوان در فصل سوم از بخش دوم حکمت نامه خواهد آمد، در واقع ، اشاره به نقش مؤثر جوانی در پیوند زدن بیشتر و نزدیک تر انسان با کمال مطلق است.

د - همنشین شایسته

دوست و همنشین جوان، نقش اساسی در رشد و شکوفایی و یا انحطاط و تیره روزی او دارد . همنشین تا آن جا در زندگی انسان مؤثر است که پیامبر خدا می فرماید:

أَلَمَرَّةٌ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ ، فَلْيَنْتَظِرْ أَحَدَكُمْ مَن يُخَالِلُ . [1]

آدمی بر آیین دوست صمیمی خویش است . پس هر يك از شما بنگرد با چه کسی دوستی صمیمانه دارد .

چه بسا جوانانی که در اثر همنشینی سعادتمند شده اند ، و چه بسا جوانانی که همنشین ، آنان را بدبخت کرده است. فصل چهارم از بخش دوم حکمت نامه ، رهنمودهای بسیار ارزنده ای در تبیین نقش همنشین در زندگی، ضرورت تحقیق قبل از انتخاب دوست، نشانه های همنشین خوب و شایسته، و حقوق همنشین، به جوانان عزیز ارائه می نماید.

ه - تقویت بدن و لذا یز مشروع

نکته بسیار مهم دیگر در شناخت عوامل شکوفایی جوان ، این است که نیرومندی و شادابی جسم نیز در کنار تقویت فکر و جان او مورد عنایت اسلام است ؛ زیرا توانمندی و نشاط جسم ، شرط اولیّه خودسازی و سازندگی و رسیدن انسان به قلّه کمال است . از این رو ، وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال می کنند که در آیه : «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ يَفْقَهُ» آنچه را به شما داده ایم ، به نیرومندی بگیرید» ، [2] آیا مقصود ،

[1] ر. ك : ص 107 ح 134 .

[2] بقره : آیه 63 .

نیرومندی جسم است و یا نیرومندی جان ، امام علیه السلام در پاسخ می فرماید: «مقصود ، نیرومندی جسم و جان ، هر دو است». [1] همچنین در مورد گزینش طالوت برای فرماندهی نظامی جمعی از بنی اسرائیل ، در قرآن کریم آمده: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» . [2] خداوند ، او را بر شما برگزیده

و بر دانش و [توانمندی] جسم او افزوده است». بررسی تاریخ انبیا و اوصیای آنان، نشان می دهد که همه آنان از توانمندی جسم و روح در کنار هم، برخوردار بوده اند. بر این پایه، امام علی علیه السلام، در پایان دعایی که بهترین درس خودسازی است، بر نیرومندی «جوارح (اندام ها)» در کنار نیرومندی «جوانح (قوای روحی)» [3] تأکید فرموده است:

يَا رَبِّ، يَا رَبِّ! قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَاشْدُدْ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي. [4]

پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا! اندام مرا بر خدمت گذاری ات توانمند ساز و درونم را در تصمیم گیری قوی دار.

و بر این اساس، روایات اسلامی، به عنوان رهنمودهای حکیمانه ای که ضمن توصیه های شماری از انبیای گذشته نیز آمده، تأکید می کنند که انسان عاقل، در کنار برنامه ریزی برای تحصیل علم، کار و ارتباط با خداوند متعال، باید برای برخورداری از لذایذ و کامیابی های مشروع زندگی نیز برنامه داشته باشد و توضیح داده شده که این برنامه، در واقع، زمینه ساز انجام دادن سایر برنامه های مهم زندگی است و این، بدان معناست که رسیدن به قلّه کمال، بدون برخورداری های انسان از

[1] ر. ک: ص 119 ج 163.

[2] بقره: آیه 247.

[3] جوانح، جمع جانحه به معنای قسمت زیر استخوان سینه است و در این جا کنایه از قلب است؛ زیرا تصمیم گیری مربوط به قلب و روح است، نه اعضا و جوارح (الصاح: ج 1 ص 460).

[4] ر. ک: ص 121 ج 168.

لذّت های حلال، میسر نیست. در زمینه عوامل تقویت و سلامت و شادابی جسم، روایات اسلامی، رهنمودهای فراوانی دارند [1] که در فصل پنجم از بخش دوم حکمت نامه، به شماری از آنها (مانند: سفرهای تفریحی، پیاده روی، شنا، نگاه کردن به سبزه زارها، گشتی، اسب سواری، مسابقه سوارکاری و تیراندازی) اشاره شده است. نکته مهم تر این که براساس رهنمودهای اهل بیت علیهم السلام، انواع ورزش ها، بازی ها و کارهای مشروعی که موجب تقویت جسم انسان است، عبادت محسوب می شود و اگر با قصد قربت انجام گردد، تکامل معنوی و پاداش اخروی را نیز به همراه خواهد داشت. با این حساب، توأم کردن فعالیت های ورزشی با فعالیت های هنری و فرهنگی - که در شماری از کشورهای پیشرفته در عصر کنونی مطرح می شود -، به بهترین وجه در رهنمودهای پیشوایان اسلام، وجود داشته است.

و - ارزش های اخلاقی و عملی

معرفت، خودباوری، پیوند با خدا، همنشین خوب و در نهایت، آنچه موجب تقویت جسم و فکر و جان می گردد، مقدمه پذیرش و رعایت ارزش های اخلاقی و عملی در زندگی اند. تحقق این ارزش هاست که رفاه و خوشبختی و تکامل انسان را برای همیشه، تأمین خواهد کرد. بنا بر این آنچه در تبیین ارزش های اخلاقی و عملی در فصل ششم از بخش دوم ملاحظه می شود، برجسته ترین ارزش هایی است که برای شکوفایی جوانان، ضروری است.

سه. آسیب شناسی جوان

در بخش سوم حکمت نامه، خطرناک ترین آفاتی که جوانان را بویژه در عصر کنونی تهدید می کند و مانع جدّی در راه شکوفایی استعدادهای آنهاست، مطرح می گردد.

[1] ر. ک: دانش نامه احادیث پزشکی: ج 1 ص 89 (توصیه های پزشکی).

این آفات، عبارت اند از:

الف - همنشین ناشایسته

مصاحب ناشایسته و ناجنس، به دلیل آن که زمینه ساز انواع فسادها و آلودگی های اخلاقی و عملی است، از همه آفات جوانی خطرناک تر است. به گفته پیامبر خدا:

مَثَلُ جَلِيسِ السَّوِّءِ مَثَلُ الْقَيْنِ، إِنْ لَمْ يُحَرِّقْ نَوَلَكَ أَصَابَكَ مِنْ رِيحِهِ. [1]

همنشین بد، مانند [کارگاه] آهنگری است که اگر لباس را نسوزاند، بوی بدش آزارت می دهد.

خطر همنشین بد تا آن جاست که ستمگر در دوزخ، دو دست حسرت با دندان می گزد و می گوید: «يَوَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا». [2] وای بر من! کاش فلان شخص را به دوستی صمیمانه برنگزیده بودم». از این رو، در آسیب شناسی جوانان، مسئله همنشین، بیشترین اهمیت را دارد و بدون این آفت زدایی، پیشگیری از هیچ آفتی امکان پذیر نیست و به گفته حافظ شیرازی: نخست موعظه پیر صحبت، این حرف است که از مصاحب ناجنس، احتراز کنید. در فصل سوم از بخش سوم حکمت نامه، خطر همنشین بد، علامات آن، و ویژگی های خطرناک ترین دوستان از نگاه قرآن و احادیث اسلامی ارائه می گردد.

[1] ر . ك : ص 211 ح 357 .

[2] فرقان : آیه 28 .

[3] ر . ك : ص 203 (نکوهش بیکاری) .

[4] ر . ك : ص 205 (خطر بیکاری) .

[5] ر . ك : ص 207 ح 351 .

[6] با برآورد مرکز آمار ایران در نشریه آمارگیری (24 فروردین 1383) ، میزان بیکاری در جمعیت فعال ده ساله به بالا ، در آبان ماه 1382 ، 8/11 درصد بوده است .

و خطرناك تر از آن ، دین فروشی را می توان از جمله آثار بیکاری شمرد . [1] از این رو ، لقمان حکیم می گفت: *إِنْ كَانَ الشُّغْلُ مَجْهَدَةً فَالْفَرَاغُ مَفْسَدَةً* . [2] اگر کار ، طاقت فرساست ، بیکاری ، مفسده آفرین است . بدین جهت ، بیکاری ، میغوض خداوند متعال است و شخص سالم بیکار نزد خداوند ، منغور است و بر این اساس ، در نظام اسلامی ، بلکه در هر نظامی ، مهم ترین اقدام برای پیشگیری از مفاسد جوانان و هدر رفتن نیروها و استعدادها آنان، ایجاد اشتغال است. [3] علاوه بر این ، باید جوانان را تشویق کرد که به شیوه ای درست و مؤثر ، از اوقات فراغت خود بهره ببرند و بدین کار ، عادت کنند. اوقات فراغت ، باید وسیله تقویت نیروهای خلاقه و قوه ابتکار جوانان باشد. بی تردید ، عادت به استفاده مؤثر و مفید از این اوقات ، سرمایه گران بهایی را برای آینده زندگی جوانان ، فراهم خواهد آورد.

ج - اعتیاد

اعتیاد، یکی از بزرگ ترین خطرهای است که امروزه ، جوانان را در سطح جهان ، تهدید می کند . [4] پدیده خطرناك مواد مخدر در جهان امروز از پیچیدگی هایی برخوردار است که سازمان ملل ، تجارت آن را از جرایم سازمان یافته تلقی می کند . حجم گسترده تجارت و گردش مالی مرتبط با قاچاق مواد مخدر در سطح جهان (یکهزار و پانصد میلیارد دلار در سال) و نقش مافیای منطقه ای و جهانی با پشتوانه سازمان های اطلاعاتی کشورها ، دلیل روشن سازمان یافته بودن این پدیده شوم

[1] ر . ك : ص 205 (خطر بیکاری) .

[2] ر . ك : ص 207 ح 351 .

[3] با برآورد مرکز آمار ایران در نشریه آمارگیری (24 فروردین 1383) ، میزان بیکاری در جمعیت فعال ده ساله به بالا ، در آبان ماه 1382 ، 8/11 درصد بوده است .

[4] ر . ك : گزارش وضعیت جهانی جوانان 2003 : 186 - 203 (فصل ششم : جوانان و مواد مخدر) .